

# جایگاه میرزا عباس خان شیدا در مشروطیت اصفهان

سید احمد عقیلی\*

## مقدمه

از زمینه‌های مهم تحقیقی در تاریخ معاصر اصفهان تحولات مشروطیت در این شهر است. موضوعی که پژوهش درباره آن از مباحث مهم مطالعاتی در این خصوص محسوب می‌شود. دوره‌ای که زوایای تاریخی پنهان و دست‌نخورده بسیار دارد. استاد جلال‌الدین همایی در این باره می‌نویسد: «در کتب و مقالات و سخنرانی‌هایی که درباره مشروطیت نوشته و گفته‌اند به هیچ‌وجه حق اصفهان ادا نشده و سهل است که احياناً در تضییع حق کوشیده و اصلاً از اصفهان و اصفهانی نام نبرده یا با جمله‌های سستی از این قبیل که از اصفهان هم سر و صداهایی شنیده می‌شد و امثال آن که ناشی از بی‌اطلاعی یا غرض‌ورزی است برکنار نبوده‌اند»<sup>۱</sup>

یکی از محورهای مطالعاتی این دوره بررسی حضور شخصیت‌های برجسته اصفهان در حوادث عصر مشروطه است. میرزا عباس خان شیدا از جمله این شخصیتها می‌باشد که بیشتر از جهات و مقام ادبی شناخته شده است و جایگاه سیاسی وی در مشروطه اصفهان مورد توجه محققان قرار نگرفته است. این مقاله به تحقیق در این خصوص پرداخته است.

**حضور شیدا در عرصه سیاسی مشروطیت**  
میرزا عباس خان شیدا فرزند میرزا اسحق دهکردی است. میرزا اسحق در هنگام حکومت خوانین بختیاری در چهارمحال و بختیاری سمت منشیگری و نایب‌الحکومتی آنان را داشت. ابتدا نزد اسفندیارخان بختیاری و سپس در خدمت خسروخان سردار ظفر بختیاری بود. عباس شیدا در زمان سلطنت ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۹ هـ ق در شهرکرد متولد شد و سپس علوم رایج آن زمان چون صرف و نحو، منطق، ریاضی، فقه و اصول را از اساتید آن زمان فراگرفت. از استادان وی شیخ مرتضی ریزی و آخوند ملا محمد کاشانی را نام برده‌اند.<sup>۲</sup>

در گیر و دار نهضت مشروطیت، شیدا که جوانی بیست و پنج - شش ساله بود در روزنامه‌های پروانه به مدیریت سید حسن مؤمن‌زاده و جهاد اکبر به مدیریت میرزا علی خراسانی مقالاتی به طرفداری از مشروطه‌خواهان می‌نوشت. ولی پس از اینکه محمدعلی شاه مجلس شورای ملی را به توپ بست و آزادیخواهان و مشروطه‌طلبانی از قبیل ملک‌المتکلمین، سید جمال واعظ، جهانگیرخان

\* - دانشجوی دکترای تاریخ ایران اسلامی



تصویری از مشروطه خواهان اصفهان

اولین شماره مجله دانشکده اصفهان را منتشر کرد. مجله دانشکده در دو دوره و دوازده شماره انتشار یافت «این مجله اخلاقی - علمی و ادبی متضمن اشعار اعضای انجمن دانشکده و حاوی مباحث ادبی و منظومه های اخلاقی بود و بیشتر مقالات آن به قلم خود شیدا که مدیر مجله بود، نگارش می یافت.»<sup>۴</sup>

یکی از اقدامات مهم شیدا در عرصه مشروطیت اصفهان انتشار روزنامه بلدیة اصفهان بود که در بررسی جایگاه سیاسی مرحوم شیدا نقش مهمی دارد. لذا می باید به این نکته نیز توجه نمود.

#### ویژگی مطبوعات اصفهان عصر مشروطه

روند مشروطیت در اصفهان از لحاظ سیاسی و فکری به دو دوره عمده تقسیم می شود: دوره اول ۱۳۲۴ ق. تا ۱۳۲۶ ق. که دوران ریاست و رهبری حاج آقا نورالله نجفی بوده و ریاست ایشان بر «انجمن مقدس ملی اصفهان» باعث

صوراسرافیل را تعقیب و سرکوب کرد، میرزا عباس خان شیدا هم از بیم مستبدان مدتی در منزل آقاجنقی در اصفهان مخفی شد و در سال ۱۳۲۶ قمری به همراهی مصمصام السلطنه هنگامی که بختیاری ها برای فتح تهران حرکت می کردند، عازم پایتخت شد و چند ماهی نیز در تهران ماند. اما زندگی در آنجا بر وی سخت گذشت و به اصفهان مراجعت نمود. پس از فوت پدرش مدتی در مقام منشیگری خسروخان سردار ظفر خدمت کرد. اما نتوانست با وی همراهی کند، زیرا تقوا و بزرگمنشی او مانع از کنار آمدن و همکاری وی با خوانین بختیاری گردید.<sup>۳</sup>

به این ترتیب وی وقایعی چون قتل ناصرالدین شاه، انقلاب مشروطه، فرار محمدعلی شاه به سفارت روس، جنگ جهانی اول، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و سرنگونی تزارهای روس را به چشم دید. در سال ۱۳۰۲ شمسی که سردار سپه در اوج قدرت بود، شیدا

که ویژگی همه آنها این بود که به طور نامنظم و پراکنده انتشار می یافت و همچون ستاره سهیلی بود که گاه رخ می نمود و سپس ناپدید می شد.

محتوای این روزنامه ها موضوعاتی چون مسائل اجتماعی، سیاسی و انتقاد از مسائل حکومتی، بیان اوضاع سیاسی نابسامان شهرها و انتقاد از استبداد حکام بود.

یکی از ویژگیهای مطبوعات مانند تهران آن بود که آزادی نویافته و نابسامانی های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به طنز سیاسی و اجتماعی پر و بال داد. از علت های مهم رویکرد روزنامه نگاران ایرانی به طنز اجتماعی و کاریکاتور موفقیت بیش از حد این گونه روزنامه ها در جلب مخاطب بود.

بر این اساس روزنامه ها به تقلید از یکدیگر اقدام به درج ستون همیشگی طنز یا مطلب نیشداری که به مسائل روز ارتباط داشت، می پرداختند. برای مثال روزنامه ترکی قفقازی ملا نصیرالدین که در تفریس به چاپ می رسید تأثیر زیادی بر بیشتر روزنامه های طنز آمیز و کاریکاتوری ایران داشت. از جمله این تأثیرها، استفاده از شخصیت تمثیلی: «ملاعمو» است که با نامهای دیگر در روزنامه های فارسی دیده می شود.<sup>۵</sup> در اصفهان روزنامه ناقور به مدیریت میرزا مسیح تویسرکانی، گنجینه انصار به مدیریت میرزا حسن خان جابری انصاری، انجمن بلدی به مدیریت میرزا ثورالدین مجلسی و بلدیة اصفهان به مدیریت میرزا عباس خان، یک ستون همیشگی خود را به این مقوله اختصاص داده بودند.

در تهران هنگامی که صوراسرافیل انتشار یافت و «چرند و پرند» های معروف دهخدا در آن به چاپ رسید، تأثیرات آن در روزنامه های پایتخت و شهرستان ها نیز نمود داشت. در اصفهان پس از «گنجینه انصار» جابری انصاری که با ستونی به نام «گفت و گوی ملا مسیح هراتی و آقا وجیه گجراتی» منتشر شد و دارای مطالب طنز آمیز بود، ستون طنز بلدیة اصفهان نیز با نام «جفنگیات» منتشر شد. روزنامه نفخه صور در تهران نیز که یک ماه بعد از این روزنامه منتشر می شد عنوان «جفنگ مفنگ» را انتخاب کرد.<sup>۶</sup>

# جهد اکبر

مجله طبع و انتشار اصفهان  
سال اول

اصفهان  
شماره ۱۰۱  
۲۵ تیرماه  
۱۳۲۴

اصفهان  
شماره ۱۰۱  
۲۵ تیرماه  
۱۳۲۴

اصفهان  
شماره ۱۰۱  
۲۵ تیرماه  
۱۳۲۴

---

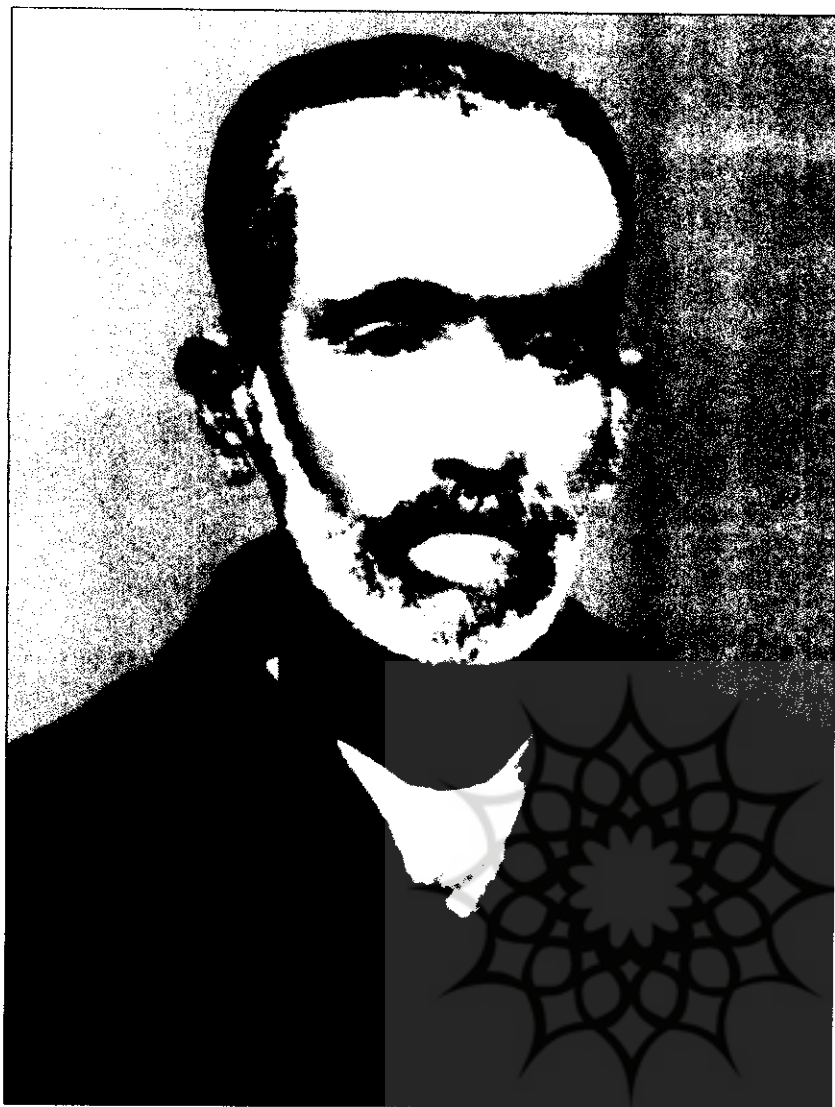
بریده است مطلق و از ادعای سبک ستمت استیضاح و محذرات اخلاق محمد زار ارفاق سرخ  
لازمه بیانات نافذ طلبیه و مقالات اتمیه و سیاحتیه نیز میزند رخ خواهد شد

**فهرست**

طنز بر استبداد  
کتابخانه کتب قدیم  
آثار شهری و فقهی  
آخبار اجتماعی  
طنز بر استبداد

شبهه که گمانی اجتناب و توابان سالهاست  
در نظم فساد و خباثت کار کرده و محال است که این کار استنبه  
از خاطرشان بجا رود که رشیه قوی گشته و اعجاز از افرود کرده  
زبان استبدادها و دشمنان بر لغاتی مختلف و بهم گراستند  
و در میان استبدادها و دشمنان جاری بوده و هر دو در تقاضا  
پوشیدند روز روز رفتار و استبداد و زهم و تکیه را چنین  
نمیداند که ظاهر و در نهایت صورت مجلس و بیست  
ساعت و کلا اظهار کجبتی و همسر می نمایند و در این میان  
اشرف اندازند و هر یک را سبکی بکارند که اصل مطلب  
از میان برود و در نظری در اظهار مکتب و سخن و در زلال

شده بود که اندیشه روحانیون بر مشروطیت مسلط باشد. دوره دوم مشروطیت از ۱۳۲۷ ق. تا کمی قبل از شروع جنگ جهانی را شامل می شود که خوانین بختیاری در صحنه سیاسی اصفهان و حتی ایران ظاهر شدند. مهمترین روزنامه های اصفهان در طی این دوران عبارت بودند از انجمن مقدس ملی اصفهان، جهاد اکبر، حقیقت، اصفهان، فرج بعد از شدت، انجمن بلدی، بلدیة اصفهان، گنجینه انصار و نقش جهان که در فاصله سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ ق. در اصفهان منتشر می شدند



تصویر میرزا عباس خان شیدا

### ایجاد بلدیہ و روزنامہ بلدیہ اصفهان

در تاریخ بیستم ربیع الاول ۱۳۲۵ ق. قانون ایجاد بلدیہ در تهران به تصویب رسید. چهل روز پیش از تصویب قانون بلدیہ در نخستین دورہ مجلس شورای ملی، اولین روزنامه‌ای که نام بلدیہ بر خود نهاده است، در تهران انتشار یافت. در خلال انتشار آن بود که بلدیہ (شهرداری‌ها) نخست در تهران و سپس در شهرهای مهم کشور برپا شد و ارکان‌های رسمی و نیمه رسمی برخی از آنها یکی پس از دیگری انتشار یافت.

این نشریات مهمترین هدفشان مطالبی درباره ضرورت ایجاد این سازمان بود. بعدها این نشریات در شهرهایی منتشر شد که سازمان بلدیہ داشتند.

در استفاده از لهجه‌های عامیانه متداول در میان مردم یکی از ویژگیهای مهم این روزنامه‌ها در جلب مخاطب بود. روزنامه ناقور در ستون همیشگی «زشت و زیبا»ی خود و روزنامه بلدیہ اصفهان در ستون «جفنگیات» از روزنامه‌هایی بودند که با استفاده از سبک نگارش طنز و لهجه عامیانه توانستند جای خود را در عرصه مطبوعات کشور باز نمایند.

از دیگر ویژگیهای مطبوعات این دوره نه در اصفهان، بلکه در ایران آن بود که روزنامه نگاران و خطیبان این دوره به خوبی یکی از سبب‌های شوربختی ایرانیان را اختلاف و پراکندگی می دانستند و بر این اساس شاهد آن هستیم که سرلوحه بسیاری از روزنامه‌های این دوره شعار «اتحاد یا اتفاق» را مطرح می کردند. جام جم هدف خود را «ترویج اتحاد و کندن ریشه نفاق» اعلام کرد. روزنامه حقوق معتقد بود که «روزنامه باید ریسمان اتحاد و اتفاق را محکم سازد و نفاق را از میان براندازد.»<sup>۷</sup> سرلوحه روزنامه بلدیہ اصفهان نیز چنانکه اشاره خواهیم کرد به تبلیغ و ترویج اندیشه اتحاد می پرداخت. از دیگر ویژگیهای روزنامه‌های اصفهان آن بود که به صورت چاپ سنگی طبع و منتشر می شد. زیرا که در این دوره اصفهان به چاپ حروف فارسی دست نیافته بود و همه روزنامه‌هایی که در این شهر منتشر می شد به چاپ سنگی بود: در «مطبعه سعادت» روزنامه انجمن اصفهان، «مطبعه فرهنگ» روزنامه‌های بلدیہ اصفهان، انجمن بلدیہ اصفهان، زاینده رود، فرج بعد از شدت، و در «دارالطباعة عباس خان» سه روزنامه جهاد اکبر، گنجینه اسرار، کشکول - که محل انتشارش از تهران به اصفهان منتقل شده بود - به چاپ رسیدند.<sup>۸</sup>

از دیگر ویژگیهای روزنامه‌ها آن بود که روزنامه‌های چاپ سنگی این دوره با خط‌های زیبای خطاطان هنرمندی نوشته شده است که نام برخی از آنان را در همان روزنامه‌ها می توان یافت. چنانکه خط روزنامه فرج بعد از شدت و انجمن بلدیہ اصفهان را خوشنویسی به نام مصطفی می نوشت، خط روزنامه بلدیہ اصفهان را عبدالله<sup>۹</sup> می نوشت.



## وزارت داخله بلدیة اصفهان



ریاست آقا میرزا حسین خان جلایی  
نکارنده محمدعلی محکوم

عنوان ماهی یکشنبه در روز شنبه

شماره ۷ - ۸ اردی بهشت و خرداد ماه ۱۳۱۰

وجه اشتراك سالیانه:

دوره اول (۱۲ قری) ۲۰۰ تومان  
دوره دوم (۱۲ قری) ۲۰۰ تومان

عنوان مراسلات: مجله بلدیة اصفهان

شماره ۱۰۶۶۱  
تک نمره یکمقران

دارای اجبار انجمن بلدی و مقالات اجتماعی تاریخی فی و اطلاعات رسمی بلدیة  
اداره در اصلاح مقالات آزاد است. مقالات وارده مسترد نمیگردد

اعلا نات برای درج از فرار سطری دو قران در پشت جلد قبول میشود

( اصفهان مطبعه سعادت )

در مورد هدف از تشکیل بلدیة اصفهان،  
روزنامه بلدیة اصفهان در شماره ۵ سال اول،  
دوشنبه ۷ محرم الحرام ۱۳۲۶ ق. نوشت: «تجار  
اصفهان از پرداخت عوارض بلدیة که تازه  
وضع گردیده شانه خالی کرده‌اند، جواب تلگرام  
شماره ۲۳۹ سوم محرم ۱۳۲۶ آنها را موظف  
نموده عوارض مربوطه را بپردازند.»  
تلگراف از طهران جواب نمره ۲۳۹ به اصفهان  
سوم محرم ۱۳۲۶ ق.

جناب جلالت مآب اعتلاءالدوله رئیسالتجار زیده  
مجده

بلدیة اصفهان تشکیل شده قانون بلدیة از  
مجلس محترم شورای ملی گذشته... این وجه  
باید به مصرف تنظیف شهر یا خرج تحصیل  
اطفال یا نگهداری فقرا و ضعفا بشود تمام آنها  
راجع به خود تجار بلد است، مالیاتی نیست که  
به دولت برسد.» در لایحه وثیق‌الملک (رئیس  
انجمن بلدیة اصفهان) مطالبی آمده است که  
قسمتی از آن لایحه در بلدیة اصفهان به چاپ  
رسیده و در اینجا نقل می‌شود... درخت  
مشروطیت است که ثمره‌اش اداره بلدیة است و  
خورشید مشروطیت است که اشعه و فروغش  
اداره بلدیة است.

مشروطیت دارای بردالساعه است و بلدیة  
تأثیر دوا

بلدیة است که موجب تعدیل و تسهیل ارزاق است  
بلدیة است که باعث رفاهیت نوع است  
بلدیة است که تحصیل ارزاق می‌کند...<sup>۱۰</sup>

بر این اساس می‌توان به نقشی که بلدیة در  
تحولات مشروطیت داشت آگاه گردید.<sup>۱۱</sup> قبل از  
انتشار بلدیة اصفهان به مدیریت شیدا،  
نشریه‌هایی که به سازمان بلدیة می‌پرداختند به  
ترتیب عبارت بود از:

۱- بلدیة (تهران): تاریخ نشر ۹ صفر ۱۳۲۵ ق.  
به مدیریت مرتضی موسوی و میرزا  
ابوالقاسم همدانی

۲- قاسم‌الخبار در ۱۳۲۵ ق. به مدیریت میرزا  
ابوالقاسم خان همدانی<sup>۱۲</sup>

۳- انجمن بلدیة: با شروع به کار انجمن بلدیة،  
نورالدین مجلسی که روزنامه «فرج بعد از  
شدت» را منتشر می‌ساخت، بنا به توصیه  
وثیق‌الملک انصاری، مذاکرات انجمن بلدیة را  
در روزنامه خود درج نمود و نام انجمن بلدیة را

سه ماه بعد از تصویب قوانین بلدیة در  
جلسة انجمن ولایتی اصفهان سخن از تشکیل  
انجمن بلدیة به میان آمد. بنا به نوشته روزنامه  
انجمن مقدس ملی اصفهان (سال اول، شماره  
۲۵) نوید داده شد که هفتة بعد (پنجشنبه،  
۲۶ رجب ۱۳۲۵ قمری) جلسه انجمن نظارت بر  
انتخابات در منزل وثیق‌الملک تشکیل شده و  
دربارة چگونگی کار انجمن صحبت خواهد شد.  
روزنامه انجمن بلدیة (فرج بعد از شدت) در  
شماره چهارم سال اول می‌نویسد: «روز  
سه‌شنبه پنج شعبان پس از اجتماع اعضای  
انجمن مقدسه بنا شد تشکیل اداره بلدیة داده  
شود. پس از آنکه عنوان شد، به اکثریت آرا  
آقای حاجی کلانتر به ریاست اداره بلدیة مقرر  
شدند...» چند روز بعد در همین روزنامه به  
شماره ۴۱ یکشنبه ۵ رمضان ۱۳۲۵ ق. اعضای  
انجمن بلدیة به اکثریت آرا جناب وثیق‌الملک را  
رئیس قرار دادند. اداره بلدیة می‌بایست در  
اموری چون اداره شهر و اموال عمومی، ارزاق  
اهالی، نظافت و بهداشت، تأسیس بیمارستان،  
سرای سالمندان، کتابخانه، حفظ و مرمت  
مساجد و مدارس و ابنیه تاریخی و غیره انجام  
وظیفه نماید و اعضای انجمن بلدیة بر آن  
نظارت داشتند.



سردبیر  
میرزا محمد خان سپهانی  
شیوا  
شعبان ۱۳۵۳

# دانشکده

مؤسس و مدیر  
میرزا عباس خان  
شیدا  
آبان ۱۳۱۲

بر اسناد و مدارک فرهنگی شماره چهارم سال دوم انتشار  
کتابخانه فرهنگ اصفهان  
شهادت اسلامی اصفهان  
تألیف: ۲۱۸  
تألیف: ۱۸/۱۸/۱۸

## حجاب

در اطراف مجربیت و کشف حجاب و پیرامون بستن و کشیدن نقاب سخنان گفته و اظهار عقیده ها شده فرقه بازاری شدن شاهدان مهر و را مطالب زمره در پرده ماندن رازهای نمان را راغب یکی میخواند دست در اغوش یار کرده حمایل و در کوچه و بازار لذت برد - دیگری ننگ و عار داند که نام ناموش برده شود البته اختلاف سلیقه و تفاوت سریره در هر دوری و عصری موجب این امال متناقضه بوده و عقاید و آراء خیل بشر در تمام قیون و عصور بیونوت کامل داشته همانطوریکه افراد عالم مختلف در صورتند مغفارت در شیرتند نهایت این است اگر بدلائل و حکم اثبات شایستگی یکی از این دو ( مکتوبیت مستوریت ) شد البته بر حسب ظاهر باید طرف مغلوب مطیع و مقاد شده گردن زیر بار تمکین و اطاعت طرف مظنون و منهور نهد - اینک مارا هم در این داستان دستی و در این شبستان حق نتمستی است - از این نغد کلامی از این کوچه حق را می ۱۳۵۳ بعد از دقت و اسمان نظر و حکمیت انصاف در عداد اثرات و در شمار باطل بنظر رسید خرافات گروم خرافات نویس

علت بدبختی و عقب ماندگی ایران تفرقه و عدم اتحاد و جهل در جامعه است. بر این اساس سرلوحه چندین روزنامه مهم پایتخت نام هایی چون «اتحاد یا اتفاق» داشتند. در سرلوحه بلدیة اصفهان نیز همین هدف یعنی ترویج اتحاد و کندن ریشه نفاق «قطع ریشه نفاق و شقاق» تبلیغ می شود. در مقاله افتتاحی خویش نیز علل انتشار روزنامه را چنین می نگارد: «... امروزه خدمت به وطن بر تمام افراد واجب و هر کسی به اندازه قوه و مایه خویش، لازم است که اقدامات جانپازانه در میدان وطن نماید و دست مردمی گشاید.»<sup>۱۷</sup>

هر شماره از روزنامه بلدیة اصفهان علاوه بر مقاله ها و اخبار، صورت مذاکرات انجمن بلدیة اصفهان را نیز منتشر می نمود. مقالات این روزنامه در جهت طرفداری و حمایت از انقلاب مشروطیت بود و طی مقالاتی از وقایع اصفهان در عصر مشروطه خبر می دهد.<sup>۱۸</sup> بلدیة اصفهان علاوه بر گفت و گوی انجمن بلدیة، مطالب اجتماعی، ادبی و فکاهی نیز داشت.<sup>۱۹</sup> آخرین شماره که از این روزنامه به دست آمده شماره پنجم به تاریخ هفتم محرم الحرام ۱۳۲۶ ق می باشد.<sup>۲۰</sup>

بر عنوان روزنامه اش افزود و این روزنامه به نام انجمن بلدیة (فرج بعد از شدت) منتشر گردید. از شماره هفتم به بعد (۱۳۲۵) نیز فقط به نام انجمن بلدیة آن را منتشر ساخت و از آن به بعد این روزنامه نهاد رسمی انجمن بلدیة شد. چون در این زمان انجمن بلدیة از یک طرف با حاکم شهر و از طرف دیگر با انجمن ولایتی اصفهان در افتاده بود، موضع گیری های روزنامه تا اندازه ای تحت تأثیر مسائل سیاسی روز قرار گرفته و هر دو طرف را انتقاد می کرد. چنانکه کنایه های نیشداری را به اعضای انجمن ولایتی اصفهان وارد می ساخت. نورالدین مجلسی با انتشار این روزنامه اولین روزنامه در آیین شهرداری را در اصفهان پدید آورد.<sup>۱۳</sup> کمتر از دو ماه پس از تعطیل انجمن بلدیة اصفهان به مدیریت نورالدین مجلسی، روزنامه بلدیة اصفهان در چهارم ذیحجه ۲۸/۱۳۲۵ دی ۱۹/۱۲۸۵ ژانویه ۱۹۰۷ آغاز به انتشار کرد. از اینکه آخرین شماره آن تا چه تاریخی چاپ شده است آگاهی نداریم. صدر هاشمی تاریخ شماره پنجم را هفتم محرم ۱۳۲۶ نوشته است.<sup>۱۴</sup> حال آنکه رابینو در فهرست خود که به سال ۱۳۲۹ انتشار یافت از ادامه انتشار بلدیة اصفهان تا آن سال خبر می دهد.<sup>۱۵</sup> روزنامه دو شماره در هفته به چاپ می رسید.<sup>۱۶</sup> انتشار این روزنامه نشان از فعال بودن اعضای انجمن بلدیة اصفهان داشت و در آن به مذاکرات انجمن بلدیة در اصفهان پرداخته شده است. شیدا این روزنامه را در ۲۶ سالگی، یک سال پس از تاجگذاری محمدعلی شاه منتشر کرد. مدیر و سردبیر بلدیة اصفهان، میرزا عباس خان شیدا و مدیریت داخلی آن، میرزا احمدخان چهارمحالی بود. درباره روزنامه وی نکته قابل توجه آنکه روزنامه بلدیة اصفهان همان خط مشی روزنامه تعطیل شده انجمن بلدیة را دنبال نمود. میرزا عباس خان هدف از ایجاد روزنامه بلدیة اصفهان را چنین اعلام می کند: «... آزادانه نیک و بد را محض تنبیه و آگاهی می نگارد و دندان روی حرف نمی گذارد. تو خواه از سخنم پند گیر، خواه ملال.» یکی از ویژگی هایی که بر روزنامه های این عصر بر شمردیم اتفاق نظر همگی آنان به هدف «اتحاد و همبستگی» بود. زیرا که معتقد بودند

برایش به ارث رسیده بود، خرج انجمن کرد.<sup>۲۱</sup> به مانند انجمن‌های ادبی عصر بازگشت که در دوره قاجاریه و مشروطیت به سرودن قصیده و غزل می‌پرداختند، انجمن ادبی دانشکده نیز همین رویه را دنبال می‌کرد.

اما به رغم تحولی که مشروطیت در سبک و شیوه نثر و نظم شاعران پدید آورده بود - چنانکه در اشعار ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی این تندروی‌ها را شاهد هستیم - نوعی بی‌پروایی را در نظم و نثر این دوره می‌توان به وضوح مشاهده کرد، مرحوم شیدا از جمله شعرایی بود که سبک محافظه‌کار، مذهبی و سنت‌گرای خود را هم در امور ادبی و هم در مسائل اجتماعی حفظ نمود. چنانکه شیدا درست یک ماه قبل از کشف حجاب یعنی در دی‌ماه ۱۳۱۲ در مقاله حجاب نوشت: «از افشردن به ظاهر سرد و گواری تمتع از دیدار نامحرمان لب تر نسازید و قافیه دلبستگی خود را به همسر عزیز نیازید. فر و شکوه زن در چشم مرد به بازاری نشدن حس او و دلبستگی و میل و رغبت به بند نقاب اوست.»<sup>۲۲</sup>

در شکل‌گیری این انجمن‌ها نیز تحولات سیاسی عصر مشروطیت بسیار مهم بود. انقلاب مشروطیت تحول عظیمی در شعر و ادب پارسی ایجاد کرد و شعرا آمال و آرزوهای مردم را در اشعار خویش منعکس می‌کردند. به‌جای قصاید تقلیدی عصر قاجار، پس از مشروطیت شاعران به سرودن قصاید سیاسی و اجتماعی می‌پرداختند. انجمن شیدا از انجمن‌هایی بود که حرکت آرام و یکنواخت حیات ادبی اصفهان را سرعت بخشید.

شیدا در مدت اداره انجمن و مجله، املاک موروثی خود را در جهت این اقدام فرهنگی فروخت و اندک اندک تهیدست گردید. در همین اوقات بود که قصیده درآلود و شکوه‌آمیز خود را سرود که در واقع زندگینامه شاعر به زبان خودش است. این نمونه شعر از اشعاری است که ویژگیهای شعری در دوره پس از مشروطیت را دارد و در آن شاعر می‌کوشد مسائل اجتماعی روزگار خود را ترسیم کند. شیدا وضع زندگی خود را این‌گونه به تصویر می‌کشد:



**علمی - ادبی - اخلاقی**

مؤسس و مدیر مسئول: میرزا عباس‌خان شیدا  
سر دبیر: میرزا محمدخان سیاهان (شیراز)

شماره دوم  
بهای اشتراك: سالیانه ۳۰ ریال، فصلی ۲۰ ریال - قیمت پنداره ۳ ریال

کتابخانه کارهای اداره با سر دبیر مجله است  
اداره در طبع و اصلاح متون است و منظر مایه و زنده نگه‌دار است  
محل رجوع: محله آستان اصفهان  
طالبین نمایندگی مجله در ولایات گوناگون خود را بطور صریح  
بمحل مزبور ارسال نمایند

سال دوم انتشار: ۳۱ مرداد ۱۳۱۳

میرزا عباس شیدا پس از یک دوره فعالیت روزنامه‌نگاری و همکاری و همراهی با مشروطه‌خواهان کم‌کم از وادی سیاست کناره گرفت و به فعالیت در حوزه شعر و ادب پرداخت. با این حال می‌باید سهم او را همچنان در پیشرفت روزنامه‌نگاری مشروطیت اصفهان محفوظ داشت و از این حیث مقامی برجسته در تاریخ فرهنگ اصفهان بر عهده دارد.

یکی دیگر از اقدامات مهم و تأثیرگذار او در حیات فرهنگی شهر اصفهان تأسیس انجمن ادبی دانشکده بود. این انجمن به مدت بیست سال یکی از بادوام‌ترین انجمن‌های ادبی شهر اصفهان بود که با حضور بیش از صد شاعر در منزل شخصی شیدا تشکیل می‌شد. تأسیس این انجمن باعث شد که جدایی و تفرقه بین شعرا نیفتد و شاعران در یک انجمن گرد هم جمع شدند. مرحوم شیدا برای حفظ و بقای این انجمن تلاش بسیار نمود و آنچه از پدرش

روزگاری ای عزیزان بخت با من یار بود  
 طالع‌م چون چشم نرگس روز و شب بیدار بود  
 نک بین خواری شیدا را که در گلزار فضل  
 پیش چشم اهل دانش چون گل بی‌خار بود  
 دستگیر مردم بیچاره بود از سمی خویش  
 سایبند خدمت احباب و هم اغیار بود  
 انجمن‌آرای بزم شاعران با هنر  
 دانش‌آموز حریفان ادب آثار بود  
 کیسه‌پرداز اندرین خدمت به‌جان دوستان  
 سالها یعنی فزون از سال ده با چار بود  
 بی‌نویان ادیبان را ز دارایی خویش  
 ماهیانه سالها بر رسم استمرار بود  
 بیشتر از صد نفر می‌داد تعلیم خطوط  
 بی‌عوض روز و شبش این شیوه و آن کار بود  
 پیش اهل فضل و دانش حاجت اثبات داشت  
 مدعای من اگر اندر خور انکار بود  
 شاهد شیدا بود پیوسته اندر آستین  
 گر گواه عشق بلبل ناله‌های زار بود  
 دعوی نی فضل دارد او نه لاف شاعری  
 زانکه کمتر پایه‌اش این طبع گوه‌ربار بود  
 چند سالی ماند چون بیکار از درد صداع<sup>۲۳</sup>  
 رفتش از کف آنچه او را در خور بازار بود  
 کیسه جو آمد تهی در دست خالی در دسر  
 رفت و شد بیگانه با او هر که با او یار بود  
 عزتش شد منقبض آو خ ز چرخ کج‌مدار  
 دلش شد منبسط وه وه چه ناهنجار بود  
 پیش چشم این برادرهای کنعانی صفت  
 یوسف مصر محبت گرگ آدم‌خوار بود...<sup>۲۴</sup>

وی استغنائی طبع و همت بلندی داشت و هرگز زیر بار احسان دیگران نمی‌رفت. سرانجام نیز در نهایت سختی و تنگدستی، ولی با شرافت و عزت‌نفس دار فانی را وداع گفت. این شاعر فرزانه و روزنامه‌نگار متعهد در سال ۱۳۲۸ شمسی درگذشت و در تکیه سیدالعراقین تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد. در فوت وی بسیاری از شعرای اصفهان مرثیه‌هایی سروده‌اند که نمونه‌هایی از آن در نامه سخنوران سپاهان جلد دوم آورده شده است.

### پی‌نوشت

- ۱- همایی، مقدمه دیوان طرب، ص ۵۰۳.
- ۲- دیوان شیدا، ص ب.
- ۳- نامه سخنوران سپاهان، ج ۲، ص ۸۵.
- ۴- مجله وحید، سال چهارم، شماره ۴.
- ۵- ناصرالدین پروین، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، ج ۲، ص ۶۶۱.
- ۶- ناصرالدین پروین، همان، ص ۶۳۶.
- ۷- همان، ص ۶۳۶. ۸- همان، ص ۷۰۵.
- ۹- شاید منظور عبدالله ارباب برادر حاج آقا رحیم ارباب بود (ر.ک. مهدی بیانی، احوال و آثار خوشنویسان، ج ۳، ص ۱۰۸۸) شایان ذکر است که مرحوم شیدا ارتباط نزدیکی با خانواده عالم بزرگوار حاج آقا رحیم ارباب داشته است. آیت‌الله ارباب ابتدا با خواهر مرحوم شیدا ازدواج کرد و پس از فوت همسر اولش دختر مرحوم شیدا را به همسری برگزید (نامه سخنوران سپاهان، ج ۲، ص ۸۳) موضوع ارتباط مرحوم شیدا با علما و به خصوص حاج آقا رحیم ارباب نیز خود مقاله و فرصت دیگری می‌طلبد.
- ۱۰- روزنامه بلدیة اصفهان، نمره ۶، سال اول، دوشنبه ۲۱ محرم‌الحرام ۱۳۲۶.
- ۱۱- در مورد گزیده اخبار روزنامه‌های اصفهان عصر مشروطه درباره بلدیة به مقاله مختصر محمدحسن رجایی زفره، «اداره بلدیة و نظمیة اصفهان»، مجله وحید، سال ۱۰، ش ۳، سال ۱۳۵۱، ص ۳۰۶-۳۰۲.
- ۱۲- دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ص ۳۷.
- ۱۳- محمدرضا عسگرانی، نقش مردم اصفهان در نهضت مشروطیت ایران، ص ۸۳ و ۸۴.
- ۱۴- صدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، ج ۲، ص ۲۰ و ۲۱.
- ۱۵- رابینو، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق، ص ۸۸.
- ۱۶- براون، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ص ۸۸.
- ۱۷- صدر هاشمی، ج ۲، ص ۲۰ و ۲۱.
- ۱۸- فروغ‌الزمان نوری، همان مأخذ، ص ۳۷۱.
- ۱۹- ناصرالدین پروین، همان مأخذ، ج ۲، ص ۵۸۵.
- ۲۰- روزنامه بلدیة اصفهان در کتابخانه‌های ارشاد اسلامی اصفهان و دانشگاه کمبریج موجود است.
- ۲۱- مهدوی، تذکره شعرای اصفهان، ص ۲۹۳.
- ۲۲- دوره دوم مجله دانشکده اصفهان، شماره ۴ و ۵.
- ۲۳- مرحوم شیدا مدتی از عمرش را گرفتار بیماری صداع‌گردید که در این مدت مجله دانشکده تعطیل شد.
- ۲۴- نامه سخنوران، ج ۲، ص ۹۳ - ۹۱.